

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۱۴ *

فهرست مطالب

- | | |
|--------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۴) تقدیم دو فقره لایحه یکی از طرف آقای وزیر داخله و دیگری از طرف آقای وزیر معارف |
| ۲) تصویب چهار فقره مرخصی | ۵) شور اول لایحه شرایط و تکالیف کدخدائی |
| ۳) اجازه استقراض برای احتیاجات ضروری بلدی بعضی از نقاط | ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس سهشنبه ۲۷ آبان را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای حیدری
حیدری - آقای انوشیروانی را جزء غائبین بی اجازه نوشته بودند خواستم عرض کنم ایشان از صحرا که مراجعت میکردیم در رامسر پاهای شان آماس کرده و دچار زحمت فوق العاده شدند و در مریضخانه مشغول معالجه بودند و بوسیله بنده اطلاع داده و تحصیل اجازه نموده اند ازین جهت خواستم تقاضا کنم که ایشان را غائب با اجازه منظور فرمایند.

رئیس - مراجعه و اصلاح میشود. در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

۲- تصویب چهار فقره مرخصی [رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود:
خبر مرخصی آقای اقبال:
آقای اقبال برای رسیدگی با امور شخصی تقاضای بیست

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

** عین مذاکرات مشروح سی امین جلسه از دوره دهم تقنینیه

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: صفوی - پالیزی - زدهی - دکتر قول ایام - بیات ماکو - دکتر سنک - هدایت
غائبین بی اجازه - آقایان: دبستانی - احتشام زاده - وکیلی - اعظم زنگنه - قادر انوشیروانی - اسکندری - مددل - امیر ابراهیمی -
النجفی - میرزائی -
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر ادهم - مسعودی خراسانی - هراز - نثار الاسلامی - رفیعی - بیات - مرانی -
دکتر جوان - آقا سید کاظم

روز مرخصی از تاریخ ۸ مهر ۱۳۱۴ نموده اند و کمیسیون عریض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - موافقت با مرخصی آقای اقبال قیام فرمابند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

خبر مرخصی آقای علوی سبزواری:

آقای علوی سبزواری برای انجام امور محلی و مسافرت بحوزه انتخابیه تقاضای ۲۰ روز مرخصی از تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۴ نموده اند و کمیسیون با تقاضای ایشان موافقت نموده و اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - موافقت با مرخصی آقای علوی سبزواری قیام فرمابند (اغلب قیام کردند) تصویب شد.

خبر مرخصی آقای شباهنگ:

آقای شباهنگ برای مسافرت لازمی که متضمن منافع اقتصادی مملکتی بوده از حضور در مجلس شورای ملی برای ۲۷ روز از تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۱۴ معذور بوده و تقاضای اجازه نموده اند کمیسیون عذر ایشان را موافقت دانسته و با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - موافقت با مرخصی آقای شباهنگ قیام فرمابند (عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد.

خبر مرخصی آقای اسکندری:

آقای اسکندری سابقاً تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ششم اسرداد ۱۳۱۴ نموده و مجلس تصویب کرده بود ولی بواسطه موانعی از مرخصی مزبور استفاده نکرده است اکنون برای اصلاح امور محلی تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۱۴ نموده است کمیسیون عریض بمناسبت این که ایشان از مرخصی سابق خود استفاده نکرده اند با این تقاضا موافقت نموده اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس

تقدیم می نماید.

رئیس - موافقت با مرخصی آقای اسکندری قیام فرمابند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد.

[۴- اجازه استقرار بوزارت داخله برای احتیاجات ضروری بلدی بعضی از شهرها]

رئیس - لایحه اجازه استقرار وزارت داخله برای بلدیه بعضی شهرها مطرح است. خبر کمیسیون بودجه قرائت میشود:

کمیسیون بودجه در جلسه اخیر خود با حضور آقای وزیر داخله لایحه نمره ۲۲۷۹ دولت راجع باستقراض مبلغی از بانک ملی برای احتیاجات ضروری بعضی از شهرهای سرحدی را مورد شور و مطالعه قرار داده با توضیحاتی که آقای وزیر داخله بیان نمودند عین ماده واحده مورد تصویب واقع و علی هذا خبر آنرا جهت تصویب مجلس شورای ملی تقدیم می دارد.

رئیس - عین ماده واحده قرائت می شود.

ماده واحده - وزارت داخله مجاز است بشرح ذیل برای بلدیه های مفصله از بانک ملی استقراض نماید.

۱ - بلدیه های رضائیه خوی ساوجبلاغ مگری بک میلیون ریال (رضائیه ۶۰۰۰۰۰ - خوی ۲۰۰۰۰۰۰ ساوجبلاغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال) بمدت پنج سال که اصلا و فرعاً هر سال بک خمس آن از عایدات بلدیه های مزبور ببانک پرداخته شود.

۲ - بلدیه های سنندج و ماکو هشتصد و پنجاه هزار ریال (سنندج ۶۰۰۰۰۰ - ماکو ۲۰۰۰۰۰۰ ریال) بمدت پنج سال که سالی بک خمس آن اصلا و فرعاً از اعتبار سه میلیون ریال ساختمانی بلدیه های ولایات مسترد گردد.

رئیس - آقایانیکه با ماده واحده موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد: (اخذ و شماره آراء بعمل آمده یکصد و سه ورقه سفید شمرده شد)

رئیس - عده حاضرین در موقع رأی ۱۰۴ نفر با اکثریت صد و سه رأی تصویب شد.

[۴- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله و دیگری از طرف آقای وزیر معارف]

رئیس - آقای وزیر داخله

وزیر داخله (آقای جم) - لایحه ایست راجع بحذف ماده ۱۲ قانون تذکره. چون این ماده در عمل اسباب زحمت برای اتباع داخله که در خارجه مقیم هستند شده است و مطابق ماده ۱۲ مقرر است کسانی که بسن مشمولیت میرسند باید تذکره شان گرفته شود و بک جواز مسافرت بایشان داده شود و در خارجه هم معمول هست کسی که تذکره نداشته باشد پلیس آنها را بعنوان اشخاص مجهول الهویه جلب می کند و خارج میکند. اینک تقاضائی هست راجع بحذف ماده ۱۲ بک لایحه دیگری است از طرف وزارت معارف تقدیم می کنم راجع باستخدام بک نفر معلم نیمه فرانسه برای تدریس علم معدن شناسی در دانشگاه. تقدیم می کنم.

رئیس - هر دو لایحه بکمیسیونهای مربوطه ارجاع می شود.

[۵- شور اول لایحه شرایط و تکالیف کدخدائی] رئیس - شور اول لایحه کدخدائی خبر کمیسیون داخله مطرح است چون لایحه طبع و توزیع شده است فقط مقدمه قرائت می شود.

کمیسیون داخله در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۴ لایحه

کدخدائی را تحت شور و مذاقه قرار داده و با اصلاحاتی مواد ذیل را تنظیم نموده اینک خبر آن برای شور اول تقدیم میشود:

قانون کدخدائی

ماده ۱ - کدخدا رئیس ده و نماینده مالک است و نسبت بوظایفی که بر طبق مقررات ذیل از طرف دولت باو محول میشود مسؤولیت خواهد داشت.

ماده ۲ - برای هر ده یا قصبه یک نفر کدخدا بمدت یکسال معین میشود و ممکن است در صورتیکه خدمات او رضایتبخش باشد مجدداً انتخاب شود و بر حسب اقتضا چند مزرعه یا ده برعهده یک نفر کدخدا محول شود.

ماده ۳ - در خالصجات مالیه محل در موقوفات متولی یا نماینده او در املاک اربابی مالکین و در دهات خرده مالک با اکثریت مالکین جزء یک نفر که دارای شرایط مندرجه در ماده ۴ این قانون می باشد برای کدخدائی بحکومت یا نایب الحکومه محل معرفی میشود که حکم انتصاب او را صادر نمایند.

شرایط کدخدائی

ماده ۴:

۱ - تبعیت ایران

ب - عدم محکومیت به جنحه و جنایت

ج - معروفیت بدستکاری و امانت و لیاقت

د - مقیم بودن در محل داشتن علاقه رعیتی در آنجا

اسامی رأی دهندگان - آقایان: فرشی - شجاع - ارگانی - طهرانچی - نائینی - اهری - همرز - علی مؤید محسن مهدوی - اعتصام زاده - دکتر طاهری - کفائی - حیدری - افشار - قزوینی - دکتر ادهم - لیتوانی - روحی زوار - نوبخت - مرتضی امین - نثار - ایزدی - طوسی - هزار جریبی - عراقی - اقبال نازی - منتعم سنک - ناصری - طباطبائی بروجردی - کالی - عباس مسعودی - حاج ملک - نیکبور - گودرزی - دهستانی محیط - خواجه نوری - اسدی - اعتبار - دادور - دکتر سیمي - جرجانی - مسعودی خراسانی - طالش خان - کاشف سیمی - ملک مدنی - طباطبائی دیبا - وثوق - رضوی - سهراب ساکینیان - دولشاهی - آصف - منصف - حبیبی دکتر جوان - لاریجانی - مشیری - ملایری - پارسا - صدیق - دکتر غنی - محمد رضابهبانی - فتح الله فزونی - رهبری مجد ضیائی - پناهی - صفاری - دبیرسهرابی - سلطانی شیخ الاسلامی - شاهرودی - معتمدی - محمد تقی شیرازی - نقابت فاطمی - کاررونیان - دکتر احتشام - شباهنگ - رفیعی - مقدم - مصباح فاطمی - نواب یزدی - امیر نیرومند - موسی مرآت دکتر ضیاء - دکتر ملک زاده - ابراهیمی ریگی - سید کاظم یزدی - آزادی - اورنگ - مؤید احمدی - خواجوی دکتر لقمان - صادقی - جلائی - اردبیلی - وکیل - مؤید قوامی - فتوحی.

ماده ۵ - محاکمه و انفصال کدخدایان از لحاظ تخلفات اداری بموجب نظامنامه خواهد بود که بتصویب وزارت داخله رسیده باشد

وظایف کدخدایان

ماده ۶ - کدخدایان دهات در محل مأموریت خود موظف باجرایی قوانین و مقرراتی هستند که از طرف حکومت متبوعه بآنها ابلاغ میشود

ماده ۷ - کدخدایان باید تنسیقات و امور رعیتی و فلاحتی را مطابق دستور و نظریات مالک تحت مراقبت قرار دهند و میتوانند دعوی جزئی بین اهالی ده را که قیمة آن از پنجاه ریال تجاوز نکند بکدخدا منشی حل و تسویه نمایند و منازعات و اختلافات حاصله بین اهالی را جلوگیری و در صورت وقوع حتی الامکان بصلح خاتمه دهند

ماده ۸ - کدخدا مکلف است طبق ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزائی در جلوگیری از فرار متهم و از بین رفتن اثبات جرم اقدام نموده و نتیجه اقدامات را باسرع اوقات بنزدیکترین پست امنیه یا نایب الحکومه اطلاع دهد

ماده ۹ - مالکین دهات در موقع فوت یا تغییر کدخدا باید معرفی نامه کدخدای جدید را طبق مقررات ماده ۴ اینقانون بحکومت محل بفرستند حفظ اوراق و اسناد دولتی و انجام امور کدخدائی تا تعیین کدخدای جدید بعهده دو نفر از معتمدین محلی که مالک یا مالکین تعیین میکنند خواهد بود

ماده ۱۰ - در صورت امتناع یا تعلل مالک یا مالکین از تعیین کدخدا نایب الحکومه محل کدخدا را طبق ماده ۴ انتخاب خواهد نمود

ماده ۱۱ - هرگاه کدخدا از انتظامات امور زراعتی فروگذار نماید مالک یا مالکین میتوانند تقاضای عزل او را بنمایند

ماده ۱۲ - قوانین موضوعه که متناقض با این قانون نباشد بقوت خود باقی خواهند بود

رئیس - عده از آقایان اجازه طبع خواسته اند درست معلوم نیست در کلیات است یا در مواد اگر در مواد است

که در ضمن مواد در موقع خودش بیان خواهد شد

عده از نمایندگان - خیر در کلیات است

رئیس - در کلیات است ؟

طباطبائی دیبا - بلی. اغلب در کلیات اجازه خواسته اند

رئیس - آقای دیبا .

طباطبائی دیبا - البته چنانچه انتظامات و تنسیقات

امور هر محل در شهرها منظور نظر است در دهات هم منظور نظر است و از این جهت میتوان گفت که این لایحه از اوابحی بوده است که لازم بوده است این است که در کلیات چندان اشکالی نیست و یک تذکراتی هم هست که در مواد میشود آن تذکرات را داد ولی بنده عقیده ام این است که در کلیات هم باید تذکراتی داد. اولاً بنده عقیده ام این است که این لایحه باید بکمسیون عدلیه هم برود چون در مواد ۷ و ۸ یک مطالبی هست که مربوط بکمسیون عدلیه میشود که کدخدا میتواند در امور حقوقی و جزائی دخالت کند و این میبایستی بکمسیون عدلیه هم رفته باشد ولی حالا که رفته است ممکن است در مجلس تصویب شود و در شور ثانی برود بکمسیون عدلیه در هر حال مسئله کدخدا و تعیین کدخدا در دهات بنده عقیده ام چنانچه عرض کردم این است که البته لازم است و اشکالی هم ندارد ولی بالاخره نباید بیک ترتیبی باشد که منجر باختلاف بین مالک و کدخدا بشود این است که تذکراً عرض میکنم وزارت داخله در تنظیم نظامنامه که نسبت باجرای این قانون تنظیم میکند باید یک ترتیبی بدهند که این نظامنامه شامل موادی باشد که در موقع اختلاف بین مالک و کدخدا وزارتخانه یک نظری داشته باشد که رفع اختلافات را بکند یعنی این اختلافات حل و تصفیه بشود مثلاً در یک ماده اینجا ذکر میشود که در امور زراعتی و فلاحی کدخدا مکلف است که یک اقداماتی بکند ممکن است در یک موقعی در امور فلاحی و زراعتی بین مالک و کدخدا یک اختلافاتی تولید شود و کدخدا عقیده اش این باشد که در اینجا این زراعت و این تخم کاشته شود تا بعمل بیاید ولی

مالک با او مخالفت کند و عقیده داشته باشد زراعت دیگری را ترتیب بدهد. با کدخدا عقیده اش این است که برای تنظیم و ترقی فلان ده باید در فلان قنات بائر کار بشود و دائرش کنند ولی مالک نمیخواهد خرج کند و آن قنات را دائر کند و تنقیه کند و امتناع میکند آنوقت مابین مالک و کدخدا اختلاف حاصل می شود و این مواد یک نظری ندارد که در صورت بروز اختلاف تکلیف چیست که اگر بین کدخدا و مالک اختلافاتی تولید شد در امور زراعت و فلاحی چه میشود ؟ یکی هم این است که این جا در ماده ۴ بنده شرطی راجع بیا سواد بودن کدخدا ندیدم کدخدای بی سواد را بنده صریحاً عرض میکنم هیچ فائده ندارد کدخدائی می خواهد که اقل سواد مقدماتی مختصری داشته باشد و اگر سواد نداشته باشد اصلاً نمیتواند وظیفه خودش را انجام بدهد مثلاً احصائی و سجل احوال مربوط بکدخداست اگر سواد نداشته باشد نمیتواند چه بکند و چگونه دفتر خود را تنظیم کند و از عهده بر نمی آید این است که بنده عقیده ام این است که در این ماده یا در ماده که مناسب باشد باید یک جمله اضافه کرد که کدخدا باید باسواد باشد و کدخدای بی سواد وجودش هیچ فائده ندارد و اصلاً مضر است و البته این تذکر بنده را آقای وزیر داخله در نظر خواهند گرفت و پیشنهادی هم تقدیم میکنم که باید کدخدا با سواد باشد. یکی هم این است که می نویسد در موقوفات متولی یا نماینده او اینجا بنده عقیده ام این است که در خصوص تعیین کدخدا کار با خود متولی باشد نه با نماینده او یا نماینده او مطلق فائده ندارد و باید خود متولی کدخدای را معین کند نه اینکه نماینده متولی در ده این حق را داشته باشد علاوه بر این یک موقوفاتی هست که متولی ندارد وزارت اوقاف خودش بر حسب قانون مداخله دارد و این قسمت هم باید بر طبق یک ماده تصریح شود که موقوفاتی که متولی ندارد باید با وزارت اوقاف باشد این هم یک عقیده بنده است

یک قسمت هم در ماده ۴ نوشته شده است که علاقه داشتن در محل از شرایط کدخداست و این هم با ماده دوم مخالفت دارد چون در آنجا داریم که می نویسد ممکن است چند مزرعه یا ده بیک کدخدا محول شود یک کدخدا هست که در این ده علاقه رعیتی دارد و در آن ده دیگر که باو اجازه کدخدائییش را میدهند علاقه رعیتی نداشته باشد و این هم منافات دارد با هم و باید یک ترتیبی داد که تنافی با هم نداشته باشد. یکی هم مسئله ماده ۷ است اینجا بنده مراجعه و مطالعه کردم که می نویسد کدخدا باید تنسیقات امور رعیتی و فلاحی را بدهد اینجا بنده مراجعه کردم اشکالی ندارد ولی بعد مینویسد که میتواند دعوی جزئی را که از پنجاه ریال تجاوز نکند بین اهالی ده بصلح خاتمه بدهد. این مسئله صحیح است ولی کدخدا با هر کس می تواند وقتیکه بین دو نفر اختلافی تولید شد مابین شان صلح بدهد و این ماده ۷ هم چیزی علاوه بر این نکرده است با کدخدا منشی وریش سفیدی ممکن است قضایا را حل و تصفیه نمایند بلکه عقیده ام این بود که با موافقت وزارت عدلیه کدخدا هم حق داشته باشد که مثل صاحبیه های محل مابین اشخاص را بر طبق قوانین صلح بدهد این بود نظریات بنده. یک نظری هم در ماده دهم داشتیم که اگر مالک امتناع کرد از تعیین کدخدا آنوقت حکومت یا نایب الحکومه کدخدای معین میکنند این را هم باید یک مدتی برایش معین کرد که اگر مالک اخطار شد که فلان محل و فلان ده شما کدخدای لازم دارد اگر تا فلان مدت معین نکردید حکومت یا نایب الحکومه کدخدا معین خواهد کرد ولی در این ماده معین نشده است و این صحیح نیست

وزیر داخله - فرمایشات آقای دیبا چند قسمت بود

یکی راجع بماده ۷ بود که پیشنهاد کردند بکمسیون قوانین عدلیه مراجعه شود برای اطلاع آقایان عرض میکنم که این لایحه و خصوصاً این ماده ۷ با جلب نظر آقای وزیر عدلیه و با مطالعه تنظیم شده است و تصور میکنم محتاج باشد به کمسیون عدلیه برود. در قسمت های دیگر

راجع به تعیین کدخدای اینک باید حتماً سواد را شرط کدخدائی قرار داد اول این نظر وزارت داخله هم بود ولی بعد که در عمل وارد شدیم و مطالعه کردیم دیدیم تقریباً یعنی قطعاً در ایران چهل و شش هزار قریه است و اگر ما بخواهیم برای هر کدام يك نفر با سواد پیدا کنیم شاید چهار اشکال بشویم مثلاً در بعضی جاها هست که يك اشخاص خوبی هستند خیلی محترم و امین که طرف اعتماد اهل محل هم هستند و سواد ندارند اگر ما میخواستیم سواد را شرط قرار بدهیم و این اشخاص را ممنوع قرار بدهیم دچار اشکال میشویم این بود که موضوع سواد را شرط قرار ندادیم ولی هیچ مانعی ندارد که کدخدا يك نفر با سواد برای تنظیم کار هایش همراه داشته باشد و این اشکال پیش نخواهد آمد. اما اینکه هر ماده دهم اظهار کردید که اگر مالک یا مالکین امتناع کنند از تعیین کدخدا ممکن است وقتی معین کنند اولاً این جا منظور ما این نبود که يك تزییقی نسبت به مالکین شده باشد ولی حالا اگر بخواهند مدتی معین نمایند بنده موافقت میکنم. ولی نباید عدم تعیین کدخدا يك وسیله باشد که مالک اگر دلش نخواست معین کند کار لنگ بماند و اسباب زحمت بشود برای اینکه آقایان مسبوق هستند که در غالب قوانینی که از مجلس شورای ملی گذشته است چه قوانین کشوری و چه قوانین لشکری یعنی نظام وظیفه يك وظائفی برای کدخدایان معین شده است و معلوم نبود تا بحال که این کدخدا کیست و چه کاره است و چه میکند و برای اینکه وظائفش معلوم باشد و روشن باشد این بود که وزارت داخله با جلب نظر وزارتخانههای مربوطه مثل وزارت عدلیه و وزارت جنگ و بالاخره هیئت دولت این لایحه را تنظیم کرد و تصور نمیکند اشکالی پیش بیاید اما راجع به امور زراعتی که در یکی از مواد ذکر شده است و تفسیقات امور هم این شخص بداخله کنند این بر له مالکین بود و دولت هیچ نظر نداشته که بر علیه مالکین یک نفر مدعی مردم بترشد بلکه این بفتح آنها است که مراقبت

و مواظبت کنند و البته اگر در امور مربوطه بزراعت با آب قنات و غیره مراقبت نکرد و اشکالی کرد و اسباب زحمت شد البته بشکایت مالک یا مالکین او منفصل میشود و دیگری بجای او تعیین میشود و یکی دیگر هم راجع به تعیین کدخدا که آقای دیبا اظهار داشتند که اینجا ذکر شده است در ماده ۳ که مالک یا متولی و فرمودند که در موقوفات ممکن است املاکی باشد که متولی نداشته باشد خوب متولی ندارد ولی اداره اوقاف است خوب چه فرق میکند وقتی که وقفیت آن مسلم است و تحت نظر وزارت اوقاف هم هست خود وزارت اوقاف هم قائم مقام متولی است و او خودش متولی خواهد بود و اقدام میکند این اشکال هم تصور نمیکنم وارد باشد.

رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - عرض کنم مقصود از تنظیم این لایحه البته معلوم است وزارت داخله خواسته است کدخدائی که حالا بدون رسمیت است یا يك رسمیت قانونی باشد تا وظائفی که بعهده او محول است انجام بدهد و اجرا کند از قبیل قوانین مربوطه بسجل احوال و نظام وظیفه و این البته در جای خودش صحیح است و لازم است ولی بعقیده بنده باید این لایحه چند جایش اصلاح بشود و مخصوصاً استدعا میکنم که آقای وزیر داخله توجه بفرمایند یکی این ماده ۷ است که گفته میشود کدخدایان باید تفسیقات و امور رعیتی و فلاحی را مطابق دستور و نظریات مالک تحت مراقبت قرار دهند بعقیده بنده اساساً این کلمه تفسیقات اساساً يك کلمه است که در حقوق مالک بکفدری لطمه وارد میکند. (عده از نمایندگان - صحیح است) چون در عرف رعیت و مالک نسق بندی یکی از وظایف اولیه خود مالک است حق مباشر ده هم که نماینده مالک است حق تفسیقات را ندارد مگر با اجازه خود مالک که از تکالیف خود او است مثلاً فرض بفرمایند بنده يك ده دارم و بیست جفت رعیق دارم بنده اول سال میروم و نسق این را میگیرم و بعد از آن بیستم هم این یکی از جمله چیزهایی است

که جزء حقوق حق مالک است و این کلمه تفسیقات باید از این جا حذف شود برای اینکه با آن حکم کلی که در نظر آقای وزیر داخله و همه محفوظ است این منافات دارد و نظر بنده این بود که موافقت بفرمایند که این کلمه حذف شود تا آن اصل اساسی مالکیت را صدمه وارد نکرده باشد. یکی دیگر هم اینکه این قسمتی که در کمیسیون اضافه شده است در ماده ۴ که می نویسد باید کدخدا علاقه در محل داشته باشد بعقیده بنده این هیچ مورد ندارد برای اینکه يك وقت است که يك کسی که آن جا صلاحیتش محرز است و مردم هم از او رضایت دارند و رعیت هم به او اطمینان دارد و بالاخره از او راضی است ولی او علاقه رعیتی در آن جا ندارد و این مانع می شود که يك آدم صلاحیت داری که طرف اعتماد مالک هم هست و اطلاعات محلی هم دارد برای کدخدائی انتخاب کند و وقتی که این قید در قانون شد البته خود داری می شود از انتخاب او و بعقیده بنده باید این قسمت حذف شود و همان طوری که در لایحه دولت بود نوشته شود. و اما آن قسمتی که آقای دیبا راجع بسواد اشاره فرمودند و آقای وزیر داخله هم جواب دادند بعقیده بنده این قید هیچ لزوم ندارد چون نیست اینقدر آدم با سواد در مملکت در این چهل و شش هزار ده که فرمودند ممکن است کسانی پیدا شوند که اصلاً سواد نداشته باشند ولی صلاحیت کامل برای اینکار داشته باشند ولی سواد مختصر هم ندارد خوب ما همه میدانیم هر کدام ما نمایندگان يك محل هائی هستیم که اطلاع داریم غالباً با سواد در دهات نیست یکی هم قسمت کدخدا که باید وظایف و کارهای آبادی را عهده دار باشد البته از نظر وظایفی که برای سجل احوال و امور دولتی بعقیده بنده هیچ اشکالی ندارد ولی از نقطه نظر کارهای دیگر آبادی اختیاراتی باو دادن اختیاجی بعقیده بنده ندارد زیرا هر مالکی وسائل آبادی ده را خودش فراهم میکند و تابع مقرراتی است که از طرف دولت معین شده است و این قسمتها هم لزومی

ندارد و آن قسمت تا ۵۰ زبال رسیدگی بامور حقوقی بکند این جویری که ذکر شده است با اصلاح و کدخدا منشی رفع کند و رئیس ده است و حق حکومت دارد در ده اینها يك چیز هائی است عرض کردم که در عمل اشکال پیدا میکنند و این منافی میشود با آن اصل مسلمی که هست هر کس در وضعیت خودش حق مالکیت دارد و حق اختیار و تصرف دارد.

وزیر داخله - با توجه بقسمت اخیر جمله ماده ۷ راجع به تفسیقات تصور میکنم رفع اشکال آقا بشود می نویسد مطابق دستور و نظریات مالک البته باید با اجازه مالک باشد و بدون اجازه مالک که نمیشود و باید با اجازه مالک باشد اگر مطابق دستور مالک نباشد که او انجام نمیدهد با این حال اگر لفظ تفسیقات خیلی زننده است بردارند مانعی ندارد و ما این را مخصوصاً گذاشتیم برای اینکه نگویید کدخدا که من کدخدا هستم و حکم دارم و دیگر اوامر مالک را در ده اجرا نمیکنم نوشتیم مطابق دستور و تحت نظر مالک. و با این حال بنده موافقم که این کلمه را اگر زننده است بردارند و حذف شود ولی در هر حال این قانون کدخدائی که تقدیم شده و وظایفی که معین شده است استدعا دارم توجه بفرمایند آقایان این بیشتر برای آسایش اهل ده بوده است مثلاً سرآب است بین رعیت نزاع میشود میگوید که آب نوبت مرا گرفته تا میروم بمحکمه عرض حال بدهد که این طول میکشد و اسباب زحمت او تولید میشود و آبش هم نمیرسد پس وظیفه کدخداست که مداخله کند و آن طرف هم مداخله او را قانونی بداند و قبول بکند و نگویید که يك شخص غیر قانونی دخالت کرده است در این قبیل کارها و تصور میکنم این یکی از کارهای بسیار خوب باشد و دیگر فلان رعیت مجبور نیست برای يك جزئی امری برود در محکمه و طرح دعوی کند.

رئیس - آقای بروجردی
طباطبائی بروجردی - اولاً در اینکه بلا شبهه دولت محتاج است که در هر ده یا قریه يك نماینده داشته باشد

را انجام نداد بشکایت مالک یا خورده مالکین دولت او را منفصل مینماید و گمان نمیکند اشکالی داشته باشد (نمایندگان - کافی است مذاکرات)

رئیس - رأی گرفته میشود بورد در شور مواد آقابانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده اول قرائت میشود.

ماده اول - کدخدا رئیس ده و نماینده مالک است و نسبت بوظائفی که بر طبق مقررات ذیل از طرف دولت باو محول میشود مسئولیت خواهد داشت

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم دولت نظریاتی که در این لایحه داشته و دارد البته نظریاتش هم خوبست و هم نمیشود انتقاد کرد از آن نظریات زیرا دولت يك کار هائی دارد در دهات و قصبات که باید اجراء شود و البته باید در آنجاها يك مسؤلی داشته باشد برای کارهای خودش ولی این مسؤلیت هم باید طوری باشد که برای مالک ایجاد مدعی و سلب مالکیت نکند بلکه باید هم نظریه دولت محفوظ بماند و هم مالک در مالکیت خودش متزلزل نشود چون خود دولت هم نظرش امروز این است که مالک در مالکیت متزلزل نباشد. ماده اول می گوید: کدخدا رئیس ده و نماینده مالک است و نسبت بوظائفی که بر طبق مقررات ذیل از طرف دولت باو محول میشود مسؤلیت خواهد داشت - این بسیار خوبست البته دولت يك نظریاتی دارد نسبت باحصائی نسبت بنظام وظیفه یا اگر چهار پنج تومان اختلافی باشد به کدخدا منشی بگذرد بجهة اینکه مرجع صلاحیت دار برای رسیدگی به دعاوی دولت یعنی عدلیه است و اینهم از طرف عدلیه است ولی مواد بعد را اگر آقای وزیر داخله دقت فرمایند این عنوانی که در این ماده اول شده است که کدخدا رئیس ده و نماینده مالک است. این کدخدا دیگر نماینده مالک نمیشود بی و بین الله اگر حسابش را بکنیم این طور کدخدا نماینده مالک نمیشود. نماینده مالک وقتی می شود که عزل و نصب او هم دست مالک باشد نوکر مالک باشد. اگر مالک دزد این

بجهت رفع حوائج خودش هیچ حرفی نیست ولی از اینطرف هم در اینجا يك الفاظی نوشته شده است که در خارج اسباب اختلال امور رعیتی و خود مالک میشود. در ابتدا کلمه کدخدا را که دولت معین کرده است از برای این بوده است که بعضی خدمات و مأموریت هائی که دارد باو امر کند که اجرا نماید مثلاً در ماده اول کلمه رئیس نوشته شده است در صورتیکه منظور دولت از این کلمه این است که این کدخدا نماینده او باشد در دهات و قصبات ولی این لفظ رئیس را کدخدا میکبرد در نظر و يك معنای دیگری از آن استفاده مینماید و بعقیده بنده این لفظ رئیس لزومی ندارد اصولاً کدخدا باید نماینده مالک باشد در محل و ضمناً هم موظف باشد که امور را که دولت ارجاع میکند اجرا نماید و حوائج دولت را رفع نماید ولی این لفظ رئیس که استعمال نموده اند لزومی ندارد و بعقیده بنده مضر است و پیشنهادی هم بنده تقدیم میکنم که این کلمه برداشته شود. یکی دیگر در ماده دوم است که اگر خدماتش رضایت بخش نشد دولت او را منفصل میکند و اگر مالکین از او راضی نبودند بدولت شکایت میکنند و دولت او را منفصل مینماید اینجا دیگر آبادی برای مالک باقی نمیماند اگر بنا باشد اختیار کدخدای ملک با دولت باشد دیگر مالک چکاره است؟ برای اینکه مطابق این ماده باید بدولت ثابت شود که این کدخدا خیانت کار است و دولت او را منفصل نماید و در اینصورت دیگر مالک در اینجا معنی ندارد.

وزیر داخله - عرض کنم لفظ کدخدا معنی همین

رئیس ده است و البته چون از طرف دولت يك وظایفی باو رجوع میشود ناچار است دولت که در عزل و نصب او يك نظریاتی داشته باشد و نظر دولت این بوده است که برای يك مالکین مباشری معین نماید حالا هم مالکین آن مباشرین را معین میکنند کدخدایشان را هم معین میکنند و این وظایف هم بموجب قانون از وظایف کدخداست که باید اجرا نماید و چون مربوط بکارهای اداری دولت و قوانین است البته باید تحت نظر دولت باشد و در قسمت امور زراعتی هم البته تحت نظر مالک است که اگر امور فلاحتی و زراعتی

کدخدا آن وظائفی را که دارد برای تنظیمات و تنسیقات و پشک آب و سیاه پشک و قسمت رعیق انجام نداد مالک می تواند او را معزول نماید این موضوع دیگر از مواد بعدی بر نمی آید آقایان خوب دقت فرمایند همه آقایان با مالکند یا می بینند و میدانند و هیچکدام اجنبی از کار نیستند شما يك نفر را دولت معین میکند و میگوید کدخدای ده است نماینده مالک است ولی عزل و نصبش مربوط بمالک نیست فقط تو در آنجا وظیفه داری که هر چه دولت امر می کند اجرا نمائی این میشود ارباب اربابش و ابتدا مربوط بمالک نیست عزل و نصب آن بقول يك کسی نقل مینمود که يك مأموری وارد شد در دهی حکمش را گم کرد يك تکه کاغذ پیدا کرد نوشته شده بود اذالزلله گفتند اینک نوشته است اذالزلله گفت نوشته است که زلزله بیندازد. ارباب يك وظائفی دارد قسمت کردن امور رعیق قسمت کردن آب پشک کردن و تقسیم نمودن آب بر زمین با ارباب است این رعیت بینیه است مالک میخواهد او را بنیه دار کند. گاو بهش میدهد می بیند وقتی او نیست زمین میخواهد بی زرع میماند يك رعیت بنیه دار سر او میگذارد ولی وقتی که بنا باشد تمام امور دست کدخدا باشد بنده که دیدم این زمین بی زرع ماند باید يك عرض حال بنویسم بپریم پیش نایب الحکومه پیش کدام نایب - الحکومه ها همین هائی که می بینید اگر نایب الحکومه ها را اطلاع ندارید بنده اطلاع دارم نایب الحکومه هزار جور تقاضا دارد پنج تا کاغذ بنده دارم که نوشته است نایب الحکومه هزار جور تقاضا دارد نایب الحکومه حقوق دار باشد اهمیت ندارد باز خوبست ولی این نایب الحکومه هائی که ما می بینیم اغلب حقوق ندارند این آدم از کجا گذران می کنند. بعقیده بنده بهتر این است شما نظریاتی را که دارید هر چه هست آنها را اسم ببرید کدخدا معین میکنند که دولت در این ده فلان نظریه را دارد البته هیچ مالکی میل ندارد که دهاتش نامنظم باشد و مالک هم با نظریات دولت همراه است برای اینکه در ظل امنیت و رأفت و توجهات دولت این مالک میخواهد زندگی نماید

و از منافع ده استفاده نماید و این استفاده نمیشود الا این که در ظل توجهات دولت باشد اما باید جوری باشد که مالک هم در دهش بتواند امور دهش را اداره کند شما همه این امور را دادید بدست آن کدخدائی که معین میکنید. امروز آن مالک در آن ده چکاره است وقتی که دقت کنید می بینید باید با آن کدخدای دهش مراقبه کند بعد بیاید عرض حال بدهد و دولت بگوید حالا که تو عرض حال دادی باید معلوم کنی که چرا باید او را معزولش کنم علت چیست؟ آنوقت کدخدا بگوید جناب آقای حاکم این ارباب من چون می بیند که من این اموری را که راجع بدولت است دارم درست میکنم از این جهة با من مخالفت میکند ضدیث میکند. فردا حرف مالک هم از بین میرود ملک و زراعتش هم از بین میرود این است که عقیده بنده این است که دولت يك وظائفی را که برای کدخدا لازم میدانند و کارهائی را که مربوط بدولت است و کدخدا باید انجام بدهد معلوم نماید و کدخدا را هم تعیین کند ولی دیگر کاری نداشته باشد که مالک وضعیت رعیتی و زراعت و کارش در ده چه چیز است. بله اگر میخواهد سلب مالکیت از من بکنند دیگر اینکه تنسیقات ده من چطور است جفت گاو ده من چطور است آب را من چه جور باید تقسیم کنم بدولت چه مربوط است دولت باید کار کند که هم آبادی مملکت زیاد شود و هم منظوری را که دارد اجرا شود بنده از کدخدا دلم بیشتر برای زمین و آبم میسوزد برای اینکه من استفاده میبرم نه کدخدا ولی حالا شما دارید برای او استفاده درست میکنید. شما کارهائی دارید که می خواهید آن کارها در قراء و قصبات و دهات محفوظ باشد و اجرا شود آنها را تصریح کنید در قانون و معلوم نمائید که باید کدخدا این وظایف را انجام دهد دیگر باقی کارها را چکار دارید که مداخله کنید و کدخدا را برای ارباب اینطور مدعی بتراشید.

وزیر داخله - بنده متأسفانه با اظهارات آقای عراقی موافقت ندارم برای اینکه این لایحه آنطور که ایشان باحرازت

اظهار کردند تنظیم نشده است و هیچ دولت در نظر نداشته است که از وضعیت مالکین و دهات بکفتری کم کند یا اینکه کدخدا را برای او مدعی بترشد. کدخدا با معرفی مالک انتخاب میشود و هر آنی که از کدخدا مالک شکایت کند کدخدا برداشته میشود دیگر بهتر از این چه بنظرتان میآید و از طرف دیگر نمیشود بلك اموری که اصلاً مربوط بدولت است و باید بدست بکنفر مسئولی باشد که آن ها را انجام دهد داد بدست بلك اشخاصی که مسئولیت ندارند یا بلك کدخدائی که مطیع هوی و هوس هر مالکی است یا بدست بعضی مالکین که آنها را میشناسیم و میدانیم واگذار کرد و کارها را مختل نمایند. امور سجل احوال است. نظام وظیفه است کارهای دیگری است که بموجب قوانین بعهده کدخداها است اینها را که ما نمیتوانیم همایش را این جا بنویسیم یا امور دیگری که بموجب قوانین و نظاماتی که بعد میگذرد بعهده کدخدا قرار میدهم. این جا که گفته فلان کار بعهده کدخدا است مقصود این است که بلك آدمی باید باشد که در این قبیل امور مسئولیت داشته باشد و مداخله هم که دولت میکند از این لحاظ است که چون دولت بلك کار هائی باو رجوع میکند که باید اجرا نماید والا اگر مالک دلش نخواهد که این کدخدا وظائف خودش را انجام دهد البته کارهای دولت باقی میماند

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در ماده اول عریضی ندارم پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده موافقم

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - بنده عقیده ام این است که این لایحه فوق العاده مفید است برای اینکه آقایان ملاحظه فرموده اند که در قسمت قراء و قویات محکمه نیست که اگر مردم مطالبی داشته باشند رجوع کنند برای هر مختصر کاری چند روز و چند فرسنگ باید راه طی کنند یا اینکه بلك عملی برسد که کار خود را بفرستد و بلك وقتی که در هر وقت حساب

حاضر کنید و در سر موقع آن عده را که خواسته اند بمرکز نظام وظیفه ببرد و معرفی کند غیر از این شما از کدخدا چه میخواهید فقط همین کارها است ولی در این لایحه چند چیز است که کدخدا حق دخالت دارد یکی مداخله در امور حقوقی است که بعقیده بنده تذکر دادن آن به چوچه موردی ندارد زیرا اقتدارات و اختیارات مالک را کم میکند در امور حقوقی به چوچه بعقیده بنده تذکرش موردی ندارد که تا فلان مبلغ تا پنججاه ریال یا کمتر یا بالاتر بطور کدخدا منشی حل و تسویه کنند زیرا از این عبارت سوء استفاده میشود. اگر نظر مبارک باشد در بعضی جاها بلك اختلافاتی پیش رعایا هست در همین موقعی که ثبت اسناد مشغول ثبت املاک است هزار گونه اختلافات بین مالک و رعایا پیدا شده است راجع به ثبت اشجار و اعیان و سایر چیزها که مالک میگوید رعایا سلب حق مالک میکنند. کدخدا کسی نیست که عاجلاً تمام قوای خودش را روی منافع مالک بگذارد اگر بلك اختیارات و اقتداراتی ما در خارج به کدخدا بدهیم این تازوقی است که مباشر که نماینده مالک است در آنجا باشد فرض کنید مباشر که نماینده مالک است و در محل هست اگر بلك اختلافی بین دو نفر رعیت باشد مباشر حق دخالت ندارد کدخدا باید ورود دخالت و رسیدگی کند در صورتیکه مباشر نماینده مالک است. یا در مسئله تنسیقات محلی که این جا نوشته شده است و پیشنهاد شده است که حذف شود و موافقت فرمودید این یکی از وظایف مختصه مالک است بلك محلی هست که حضراتی یا سایر آقایان مالک هستند ملک دارید در موقع تنسیقات مهمل دارید تنسیقات این محل را زیاد کنید یا کم کنید این بلك چیزی است که از مختصات مخصوص مالک است در این لایحه فقط صحبت هائی که میشود برای پیدایش راه حل است والا هیچکس با نظر دولت مخالفت ندارد بنده عقیده ام این بود که این لایحه را طوری تنظیم می فرمودید که فقط این مطالبی را که دولت و وزارت داخله در نظر دارد که مسئولیت

اجرائش متوجه کدخدا باشد معین میکردند و کدخدا را هم با متولی یا مالیه یا حکومت محل یا مالکین معین میکردند ولی دیگر دخالت دادن کدخدا را در سایر امور بنده عقیده ام این است بلكی مخالف با آن حقوق مالک است نه اینکه شما هم غرض دارید ولی خود کدخدا و کسانی که در خارج هستند با بعضی اختلافات و صحبت هائی که فعلاً در بعضی جاها ناشی است بین ارباب و رعیت بالاخره از این قانون سوء استفاده میکنند و اگر موافقت فرمائید این لایحه بر گردد بکمسیون و در کمیسیون ثانیاً مراجعه و اصلاحاتی بکنند و مقاصدی هم که دولت در وضع این قانون دارد تأمین شده بدون اینکه به نظریات دولت هم لطمه وارد آید.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

عراقی - بنده مخالفم سوء تفاهمی شده است که باید توضیحی عرض کنم.

رئیس - فرمائید

عراقی - عرض کنم آقای وزیر داخله در جواب عریضی بنده اینطور بیان فرموده که عراقی بلك حرارتی این موضوع را گفت در صورتی که بنده آنچه عرض میکنم باحرارت نیست و بنده اهل حرارت نیستم طرز صدای بنده و هنگ صدای بنده این است خدا اینطور کرده است بنده تصدیق دارم (رئیس - پس بکفتری ملائمت صحبت فرمائید) تن صدای بنده اینطور است. و بنده نظریات خودم را عرض کردم و حالا هم خدمت آقای وزیر داخله عرض میکنم اشکالاتی در این قانون است و باید اصلاح شود اگر اجازه میفرمائید برود در کمیسیون در آنجا ثانیاً تجدیدنظری شود و بر گردد به مجلس و بنده روی این قسمت هم پیشنهادی تهیه کرده ام این است عرض بنده

وزیر داخله - اینکه میفرمائید این قانون بر گردد بکمسیون و ثانیاً مذاکره شود چون شور اول است طبیعتاً در کمیسیون خواهد رفت و اگر نظریاتی آقایان دارند پیشنهاد فرمائید در کمیسیون مذاکره خواهد شد

رئیس - آقا بانیکه با کفایت مذاکرات موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهادانی رسیده است قرائت می شود

پیشنهاد آقای اعتبار

در ماده ۱ پیشنهاد میکنم جمله (رئیس ده) حذف و بجای آن (مسئول انتظامات) نوشته شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود در آخر ماده اول اضافه شود و در سایر امور مسئول مالک یا مالکین است.

پیشنهاد آقای افشار

اصلاح ماده اول را بقرار ذیل پیشنهاد مینماید

ماده ۱ - کدخدا که در امور رعیتی نماینده مالک میباشد بوظایفی که برطبق مقررات ذیل از طرف دولت باو محول میشود مسئولیت خواهد داشت.

پیشنهاد آقای لاریجانی

قسمت اول ماده ۱ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم

ماده ۱ - کدخدا نماینده مالک است و نسبت بوظایفی که الی آخر.

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد مینمایم ماده اول بترتیب ذیل مرقوم شود

ماده ۱ - کد خدا متصدی امور ده و نماینده مالک است الی آخر.

پیشنهاد آقای لاریجانی

بنده پیشنهاد میکنم مراتب ذیل را

۱ - حذف کلمه رئیس ده را در ماده اول

۲ - در اول ماده اول نوشته شود کد خدا بمعرفی مالک انتخاب و نسبت بوظایفی که برطبق مقررات الی آخر نوشته و مقید شود

رئیس - ماده دوم قرائت شود

ماده ۲ - برای هر ده باقصبه یک نفر کدخدا بمدت

بالاخره برای کلمه نماینده يك تعبیری شده و يك تعريف هائی شده است که نماینده مثل وکیل است که هر دقیقه قابل تغییر است و هر وقت که از او يك خلافي مشاهده شد و وظایف خود را انجام نداد مالک میتواند در حدود تغییر او برآید در اینجا هم می بینیم که این قانون بهیچوجه به اصل مالکیت صدمه نمیرساند سهل است بلکه بهیچوجه هم اختیارات مالک را محدود نمیکند و آنچه که خیلی واضح میکند این است که در ماده ۷ مینویسد:

کدخدایان باید تسبیقات و امور رعیتی و فلاحی را مطابق دستور و نظریات مالک تحت مراقبت قرار دهند. با این جملات بین و واضح این اشکالاتی را که آقایان فرمودند بکلی منافی با این قانون است و بهیچوجه تصور نمیشود برای اینکه کدخدا مطابق این ماده مکلف است مطابق دستور مالک رفتار کند و هر دقیقه که مالک گفت فلان کار را بکن و نکرد نه تنها بموجب قانون بلکه اساساً اختیار در دست مالک است و فوری میتواند او را عزل کند نه اینکه تنها بموجب قانون قابل تغییر است بلکه اصلاً تغییر در دست مالک است از این جهت این اشکالاتی که آقایان کردند بنده بهیچوجه وارد نمیدانم بلکه برعکس جملات قانون بکلی مخالف است با فرمایشات آقایان. اما اشکالی که بنده در ماده دوم دارم این است که از يك طرف در قانون پیش بینی شده است که مالک هر دقیقه خواست میتواند او را تغییر دهد و از طرف دیگر اینجا نوشته شده است که برای مدت یکسال معین میشود گرچه ما میتوانیم بگوئیم که مدت يك سال معین شده برای این که اگر مالک دید برطبق نظر او عمل نکرد می تواند او را تغییر بدهد و معهداً برای این که این اشکالاتی که آقایان کردند رفع شود بنده این جاییشنهاد کردم مدت معین نشود برای این که هر ده باقصبه یک نفر کد خدا معین می شود و برحسب اقتضا ممکن است چند مزرعه بعهده یک نفر محول شود و مدت هم معین نشود در ماده دیگر هم که نوشته شده که مالک هر وقت خواست او را تغییر بدهد بنا بر این ذکر مدت دیگر لزومی ندارد.

وزیر داخله - این نظری که اظهار کردند در کمیسیون اضافه شد در لایحه دولت مدت یکسال نبود این هم برای احتیاط بود که اگر يك مدتی قائل شویم بهتر کار میکنند و بنده هم موافقت کنم

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود

پیشنهاد آقای دکتر سمعی

اصلاح ماده ۲ را بقرار ذیل پیشنهاد می نماید

ماده ۲ - برای هر ده و قصبه یک نفر کدخدا بمدت یکسال معین میشود و ممکن است در صورتیکه خدمات او رضایت بخش باشد بانظر و رضایت مالک مجدداً انتخاب شود

پیشنهاد آقای مجد ضیائی

پیشنهاد میکنم ماده ۲ این طور اصلاح شود

ماده ۲ - برای هر ده و قصبه بمدت یکسال کدخدا بمعرفی مالک معین میشود

پیشنهاد آقای دکتر چوان

پیشنهاد میکنم که ماده ۲ بشرح ذیل اصلاح شود

ماده ۲ - برای هر ده باقصبه یک نفر کدخدا معین میشود و برحسب اقتضا ممکن است چند مزرعه یا ده برعهده یک نفر محول گردد

پیشنهاد آقای اعتبار

در سطر دوم در ماده ۳ عبارت بطریق ذیل اصلاح شود

در دهات خورده مالک با کثرت ملکی مالکین يك نفر که دارای شرایط مندرجه در ماده ۴ این قانون میباشد الی آخر

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

ماده ۳ - در خالصجات مالیه محل در موقوفات متولی یا نماینده او در املاک اربابی مالکین و در دهات خورده مالک با کثرت مالکین جزو یک نفر که دارای شرایط مندرجه در ماده ۴ این قانون میباشد برای کدخدائی بحکومت یا با مالک حکومت محول میشود که حکم انتصاب

او را صادر نمایند.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - در این لایحه راجع بحقوق کدخدایان چیزی نوشته نشده که با حقوق یا بی حقوق هستند بنده در مقام عمل دیده ام و خیلی اسباب زحمت میشود. از طرف حکومت و مالک که کدخدا معین میشود کدخدا حقوق میخواهد مالک که نمیدهد نایب الحکومه هم که محل و اعتبار ندارد و اگر بجای است باید در قانون نوشته شود و اگر بجای نیست آنها تصریح شود که دیگر اسباب اشکال مابین کدخدا و نایب الحکومه یا حکومت محل نباشد.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده در این ماده عرض راجع بمالکین جزء بود برای اینکه مینویسد با اکثریت مالکین جزء انتخاب میشوند و در بعضی دهات هست که خرده مالکین عددهشان زیاد است ولی مالک آنها کم است چون ممکن است ده نفر بیست نفر در یک قسمت خیلی کم سهم باشند و در اینجا آن مقصود اصلی را نمیرساند یعنی آن مالک اصلی تعیین کدخدا را نکرده است بنده عقیده ام این است که مالکین جزء را بردارند و اکثریت مالکیت نوشته شود عرض میکنم یکی هم قسمت انفصالتش با دولت خواهد بود و آقایان میفرمایند خیر با مالک است بنده تصور میکنم اینطور نباشد و از قانون اینطور که آقای دکتر جوان توضیح دادند استنباط نمیشود که اختیار با مالک باشد. بنابراین ممکن است برای جمع هر دو نظریه اگر صلاح بدانند اینطور نوشته شود که برای اجرای آن مقرراتی که دولت در نظر دارد بکنفر نمایندند مالک معین کند برای کارها و بکنفری را مسئول قرار دهند که آن نظریات دولتی را اجراء کند حالا لازم نیست که اسمش را کدخدا بگذاریم.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - فرمایشی را که آقای دیبا فرمودند راجع بحقوق این قسمت باعث اشکال خواهد شد برای اینکه اگر تعیین حقوق بشود آنوقت مالکین مجبورند مطابق قانون به کدخدا حقوق بدهند ولی حالا یک معمولی دارند که مطابق آن

معمول رفتار میشود و این نظری را که آقای دیبا فرمودند اسباب اشکال خواهد شد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

پیشنهاد آقای حبیبی

پیشنهاد میکنم در سطر دوم از ماده ۳ عبارت بطریق ذیل اصلاح شود:

در دهات خرده مالک با اکثریت مالکی مالکین بکنفر که دارای شرایط مندرجه در ماده ۴ این قانون میباشد
الی آخر

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود در ماده ۳ کلمه جزء بعد از مالکین حذف شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود - در ماده ۳ در سطر آخر بعد از کلمه معرفی اضافه شود و در صورت رضایت مالک با مالکین تجدید معرفی میشود

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود.

شرایط کدخدائی

ماده ۴:

۱ - تبعیت ایران

ب - عدم محکومیت بجنحه و جنایت

ج - معروفیت بدرستکاری و امانت و ایافت

د - مقیم بودن در محل و داشتن علاقه رعیتی در آنجا

رئیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - در اینجا راجع بشرایط و وظایف

کدخدایان مذاکره شد بنده قبل از اینکه موضوعی را که

میخواهم عرض کنم لازم است بعرض برسانم که در مالکی که دارای تشکیلات و تنظیمات جغرافیائی هستند تمام این نوع قوانین را دارند بعلاوه وضعیات جغرافیائی شان طوری است که دهات و قصبات پهلوئی هم واقع شده اند که یک کدخدائی در هر یک از قراء و قصبات یک وظایف قانونی دارد اینجا در جزء شرایط مذاکره سواد شد که کدخدا سواد داشته باشد البته بنده یکی از اشخاصی هستم که آرزو مندم که افراد مملکت با سواد باشند خصوصاً بکنفر کدخدا که نماینده رسمی دولت است و چون مذاکره شد که ممکن است در بعضی قراء و قصبات با سواد نباشد بنده عقیده ام این است که ممکن است در نظامنامه حق تقدم قرار دهیم ولی موضوعی را که باید عرض کنم این است یک وظایفی است که بعقیده من اخلاقی است و اینها باید جزء وظایف کدخدا باشد فرض بفرمائید در فلان قصبه یک مجرای آب و یک کودالی است که آب جمع شده و یک لجن زاری شده است و تولید مالاریا میکند این وظیفه کدخداست و باید او را موظف کرد که فوری پیشنهاد کند و برای جلوگیری از مرض مالاریا این را از بین ببرد و یکی دیگر وظیفه ایست که بعقیده بنده کدخدا راجع بنظافت ده و حفظ الصحه اهلالی عهده دار است ملاحظه فرموده اند که یک کره مرده در یک دهی ده روز بیست روز افتاده است بدون اینکه کسی بدان توجه کند و این تولید هزاران مرض برای اهالی میکند بنابراین بنده عقیده ام این است که حفظ الصحه عمومی یکی از وظایفی است که حتماً بایستی بمعهده کدخدا محول گردد و کدخدا موظف بانجام این قبیل امور باشد و بنده در اینجا پیشنهادی کرده ام که اگر صلاح بدانند در قانون نوشته شود.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در قسمت دال از همین ماده ۴ عریضی داشتم اینجا میگویند مقیم بودن در محل و داشتن علاقه رعیتی این علاقه در غالب جاها متفاوت است در یک قسمتی هست که رعیت آنجا ریشه بویجه دارد یا اعیالی از این

قبیل چیزها دارد و در بعضی قسمتها هست که در آنجا باغ دارد و بالاخره علاقه رعیتی ندارد بعضی جاها علاقه اش فقط گاو بندگی است که آن گاو را دارد و رعیتی میکند و هر وقت هم که مالک نخواست گاو را بر میدارد و میرود و برای او آثاری باقی نمی ماند مخصوصاً در بعضی قسمتهای بلوکات همدان این ترتیب است که آنجا رعیت را علاقه قائل نیستند باین جهت گذاشتن این جمله تولید اشکال میکند و بنظر بنده اساساً مقیم بودن در محل کافی است زیرا ممکن است که اشخاصی باشند در محل که طرف اعتماد مالک باشند و رعیت هم به آنها نظر خوب داشته باشد ولی در عین حال علاقه گاو بندگی را نداشته باشد چنانچه الان هم این طور اشخاص هستند و مصدر همین امورات هم میشوند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که این کلمه علاقه رعیتی داشتن در محل حذف شود و فقط مقیم بودن کافی است و نظر دولت را هم تأمین میکند.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض میکنم فرمایشی را که آقای اعتبار فرمودند صحیح است و همینطور است که فرمودند اغلب جاها همینطور است ولی صحبت در اینجا است که دولت یک کسی را میخواهد کدخدا باشد که در محل مقیم باشد و علاقه داشته باشد نه اینکه هیچ نداشته باشد و علاقه هم عبارت از همان چیز هائی است که فرمودند حالا اگر یک کسی باشد که فاقد از هسقی باشد این بدرد نمی خورد زیرا یک دفاتری در دستش هست و یک وظایفی دارد کار های نظام وظیفه و مشمولین خوب یک وقت اگر بنا باشد علاقه نداشته باشد میگذارد و فرار میکند پس آقای اعتبار موافقت بفرمایند که بهمین ترتیب باشد و علاقه رعیتی هم عبارت از همان هائی است که فرمودند.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای دهستانی اشاره میکنند فقط یک قسمت بخصوص را و نقطه نظرشان قرار میدهند ولی باید اینرا رعایت کرد که در وضع قانون همه قسمتها باید مورد

نظر و رعایت واقع شود الآن در عمل درست عکس نظر ایشان اجرا میشود همینطور که آقای وزیر داخله میدانند که الان هم در محل کدخداهست که اصلاً نه کابندی دارد و نه مالک است فقط باصطلاح خوش نشین است ولی یک کسی است که صلاحیت دارد و محل اعتماد اهل آبادی است این را انتخاب کرده اند این چه مانعی دارد باین جهت بنده عقیده ام اینست که بالاخره صلاحیتش را باید در نظر گرفت اعم از اینکه رعیتی داشته باشد یا نداشته باشد

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - چون نظریات مختلف است بعضی آقایان عقیده دارند که کدخدا علاقه نداشته باشد ولی بنده عقیده دارم که کدخدای ده بایستی کاملاً علاقمند بوده و کسی که علاقه نداشته باشد در دهات اسباب زحمت مالک و رعایا است خوش نشین هیچوقت نمیشود کدخدائی کند باید حتماً علاقه داشته باشد و الا اینطور ده را آتش خواهد زد اینکه آقای ملک مدنی میفرمایند که خوش نشین باشد خوش نشین چطور ممکن است بتواند منظور دولت را فراهم آورد او هر وقت که مسئولیتی متوجهش شود فوراً ممکن است فرار کند

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای اعتبار

در ماده ۴ - پیشنهاد میکنم - قسمت - د (جمله داشتن علاقه رعیتی در آنجا) حذف شود

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ جمله و بنده حذف شود

پیشنهاد آقای امین

پیشنهاد میکنم به ماده ۴ علاوه شود در صورت واجب بودن شرایط چهارگانه حق تقدم با آن کسی است که خوابانند و روشن موداند

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم در ماده ۴ قسمت (د) و داشتن علاقه

رعیتی در آنجا حذف شود

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده ۵ - محاکمه و انفصال کدخدا از لحاظ تخلفات اداری بموجب نظامنامه خواهد بود که بتصویب وزارت داخله رسیده باشد

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده اصولاً با این لایحه موافقم زیرا همینطور که آقای وزیر داخله فرمودند یک وظائفی برای کدخداها در قوانین معین شده است که بایستی تکلیف انتخابشان هم کاملاً معلوم باشد و اینک همین طوری که خودشان فرمودند دولت نظری ندارد که این قانون طوری باشد که اسباب زحمت مالکین باشد بلکه بعکس است چون همیشه دولت سر پرستی دارد نسبت به همه افراد مملکت و باید همه در رفاهیت باشند و میخواهند مخصوصاً صدمه بحقوق مالکیت وارد نیاید این است که در این ماده که انفصال کدخدا هست همان فقط قسمتی که مربوط به دولت است مینویسد که مالکین خیال نکنند حقوق آنها سلب میشود ولی بعقیده بنده باید یک چیزی اضافه شود و نوشته شود که انفصال کدخدا از لحاظ تخلفات اداری با دولت است و از سایر جهات با مالک است که حقوق طرفین محفوظ باشد که دولت در سایر کارهای مالکین که کاری ندارد یعنی اگر کس کدخدا در کار سجل احوال تخلف کرد و حاکم و وزارت داخله او را معزول کنند ولی اگر در کارهای زراعتی تخلف کرد و مالک ازش راضی نیست مالک البته حق داشته باشد او را عزل کند این است که بنده پیشنهاد میکنم چون شور اول است هر يك از آقایان در این قسمت هر چه نظرشان میرسد پیشنهاد بدهند و میبود در کمیسیون اگر موافقت فرمودند اصلاح می شود

وزیر داخله - اگر چه در ماده ۱۱ نظر آقای دکتر

طاهری نامین شده است و دولت هم نخواست قسمت

تخلفات کدخداها را از نقطه نظر حقوق مالکیت و اینها از بین ببرد بلکه گفته شده که هر وقت که مالک از او ناراضی باشد او معزول میشود مع هذا اگر آقایان نظری دارند بنده حرفی ندارم پیشنهاد بفرمایند بیاید در کمیسیون و مطالعه میشود

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده هم نظریه ام موافق است با نظریه آقای وزیر داخله و عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای اعتبار

در ماده ۵ پیشنهاد میکنم که نظامنامه بتصویب وزارت داخله و کمیسیون داخله برسد
پیشنهاد آقای جشدیدی

پیشنهاد میکنم در ذیل ماده ۵ این عبارت اضافه شود و در صورت انفصال انتخاب کدخدای جدید بامعرفی مالک یا مالکین صورت خواهد گرفت

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

وظایف کدخدایان

ماده ۶ - کدخدایان دهات در محل مأموریت خود موظف با اجرای قوانین و مقرراتی هستند که از طرف حکومت متبوعه بآنها ابلاغ میشود

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - اولاً این جا چون فقط دهات نوشته شده و کدخدا در قصبات هم مطابق این قانون معین میشود باید يك لفظ قصبات هم اضافه شود و یکی هم این عبارت موظف با اجرای قوانین و مقرراتی هستند که از طرف حکومت متبوعه بآنها ابلاغ میشود البته حکومت ابلاغ میکنند ولی آن مقرراتی که نوشته شده است معلوم نیست که چه مقرراتی است ممکن است که حکومت يك مقرراتی از طریق خودش تهیه کند و ابلاغ کند بطور مطلق بعین خود و اسباب زحمت است این است که بنده عقیده ام این است که نوشته شود

مطابق نظامنامه که وزارت داخله تعیین خواهد کرد موافق آن نظامنامه و الا مقررات مطلق صحیح نیست

وزیر داخله - منظور این است که اجرای مقررات بمهده کدخدایان باشد و البته هیچ حاکمی هم حق ندارد از پیش خود مقرراتی وضع کند و اجرای آنرا به کدخدایان واگذار کند (صحیح است)

رئیس - ماده ۷ قرائت میشود:

ماده ۷ - کدخدایان باید تنسیقات و امور رعیتی و فلاحی را مطابق دستور و نظریات مالک تحت مراقبت قرار دهند و می توانند دعاری جزئی بین اهالی ده را که قیمة آن از پنجاه ریال تجاوز نکند به کدخدا منشی حل و تسویه نمایند و منازعات و اختلافات حاصله بین اهالی را جلوگیری و در صورت وقوع حق الامکان با صلح خاتمه دهند
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - در آن ماده اول هم بنده عرض کردم که اصلاً تفاوت زیادی در تنسیقات دهات هست و امور رعیتی و حقوق مالک و رعیت در هر جایی صورت خاصی دارد و در قسمتهائی هم هست که اصلاً امور رعیتی و فلاحی را کدخدا مراقبت میکند ولی در غالب جاها کدخدایان اصلاً دخالتی ندارند و يك کاری است که خود مالک انجام میدهد و مباشر انجام آنرا نظارت میکند فقط وظیفه کدخدا از نظر واردینی است که به ده وارد میشوند و مأمورینی که می آیند و جا نداشته باشند باید او تدارکاتی بکنند برای این کارها يك کدخدائی قائل میشوند و برای اونك حقوق هم قائل میشوند از قبیل معافیت از مالیات و امثال اینها و الا امور رعیتی را بیشتر مباشرین و اینها مراقبت میکنند و البته از نظر دولت آن کارهایی را که واگذار میکنند بشکلی ندارد که ما این جمله اول را اساساً برداریم و بگوئیم که اصلاً برای تصفیه منازعات بین فلان و ماده را از آن جمله شروع کنیم و این قسمت اول برداشته شود

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده نظری این است که نظر آقای

اعتبار اگر نخواهند تأمین شود چون در این قانون اصلا وظایف کدخدایان نوشته میشود چون وظایف کدخدایان نسبت به دولت در ماده ۶ معلوم شد و معین شده که اجرای قوانین و مقرراتی که از طرف حکومت باو ابلاغ میشود و این وظیفه کدخداست نسبت بامور دولتی در ماده ۷ بنویسیم که در غیر از موارد ماده ۶ کدخدا تابع دستور مالک است دیگر اسم تنسیق و اینها را بریم و غیر از وظایف ماده ۶ که اجرای قوانین و مقررات دولت است دیگر کدخدا تابع دستور مالک باشد این را بنده پیشنهاد داده ام بملاحظه خواهید فرمود

رئیس - آقای دهستانی.

دهستانی - عرضی ندارم.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم در ماده ۷ از کلمه تنسیقات الی قرار دهند حذف شود

پیشنهاد آقای کودزی

از نقطه نظر انتظامات امور رعیتی مالکین بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۷ را که تصریح میشود کدخدایان باید تنسیقات و امور رعیتی و فلاحی را مطابق دستور مالک مراقبت نمایند بکلی حذف گردد زیرا مالک ممکن است امور مربوطه رعیتی خود را به غیر کدخدای مذکور مراجعه نماید

پیشنهاد آقای لاریجانی

اصلاح ماده ۷ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم

ماده ۷ - کدخدایان میتوانند دعوی جزئی بین اهالی ده را که از پنجاه ریال تجاوز نکند بکدخدا منشی حل و تسویه نمایند و منازعات و اختلافات حاصله بین اهالی را جلوگیری نموده و در صورت وقوع حق الامکان بصلاح خاتمه دهند

پیشنهاد آقای فتوحی

اصلاح ماده ۷ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم
ماده ۷ - کدخدا موظف است در تنظیم امور رعیتی و

که ماموری ندارد تقاضا میکنم آقای وزیر داخله موافقت فرمایند که يك كلمه حق الامکان نوشته شود و الا انصاف نیست که يك تکالیفی باو واگذار شود که نتواند از عهده انجام آن برآید.

مؤید احمدی - پیشنهاد کنید.

رئیس - ماده ۹ قرائت میشود.

ماده ۹ - مالکین دهات در موقع فوت یا تغییر کدخدا باید معرفی نامه کدخدای جدید را طبق مقررات ماده ۴ این قانون به حکومت محل بفرستند حفظ اوراق و اسناد دولت و انجام امور کدخدائی تا تعیین کدخدای جدید بعهده دو نفر از معتمدین محلی که مالک یا مالکین تعیین می کنند خواهد بود.

رئیس - ماده ۱۰ قرائت می شود

ماده ۱۰ - در صورت امتناع یا تملک مالک یا مالکین از تعیین کدخدا نایب الحکومه محل کدخدا را طبق ماده ۴ انتخاب خواهد نمود.

رئیس - آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - در این ماده هم روی همان نظریه که اول مذاکره شد عقیده بنده این است برای اینکه نایب الحکومه سوء استفاده نکند از این اختیار بهتر این است که يك اخطار کتبی هم ضمیمه شود یعنی این که اگر امتناع کرد کتباً اخطار کنند و تا يك مدت معینی وقت تعیین کنند.

رئیس - پیشنهادات قرائت می شود

پیشنهاد آقای طباطبائی دبا

پیشنهاد می نمایم ماده ۱۰ در صورت امتناع یا تملک مالک یا مالکین در ظرف يك ماه بعد از اخطار الی آخر

پیشنهاد آقای فتوحی

جمله ذیل را بآخر ماده ۱۰ پیشنهاد مینمایم
از تاریخ اخطار کتبی حکومت محل مالک تا پانزده روز اگر معرفی از طرف مالک بعمل نیاید تملک محسوب است

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم بعد از جمله مالک یا مالکین اضافه شود با اخطار کتبی

پیشنهاد آقای حمزه تاش

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ بطریق ذیل اصلاح شود
ماده ۱۰ - حکومت مکلف است بمالک یا مالکین اخطار نماید در ظرف یکماه کدخدای ملک خود را تعیین و معرفی نمایند چنانچه مالک یا مالکین در مدت مقرر از تعیین کدخدا امتناع یا تعلل نمایند حکومت یا نایب الحکومه پس از انقضای مدت مقرر کدخدا را طبق ماده ۴ الی آخر

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود در ماده ۱۰ بعد از کلمه تعیین کدخدا اضافه شود پس از اخطار کتبی بمدت دو هفته نایب الحکومه محل کدخدا را طبق ماده ۴ انتخاب خواهد نمود

پیشنهاد آقای دکتر قاسم اهری

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۰ کلمه تملک حذف شده و بقرار ذیل اصلاح شود. در صورت امتناع کتبی مالک و یا مالکین از تعیین کدخدا نایب الحکومه محل کدخدا را طبق ماده ۴ انتخاب خواهد نمود

رئیس - ماده ۱۱ قرائت میشود:

ماده ۱۱ - هرگاه کدخدا از انتظامات امور زراعتی فرو گذار نماید مالک یا مالکین میتوانند تقاضای عزل او را بنمایند.

رئیس - آقای دکتر ادهم.

دکتر ادهم - بنده راجع به ماده ۱۱ خواستیم عرض کنم اگر چنانچه مطابق ماده ۷ کدخدا نماینده مالک است در ماده ۱۱ اینطور که نوشته شده است که باید تقاضای عزل او را مالک بکنند این در واقع نماینده مالک نمیشود مثل اینکه يك نایب الحکومه است در محل و اگر چنانچه از او تراضی بودند تقاضای عزل او را از حکومت میکنند پس در این صورت اگر چنانچه نماینده مالک باشد باید

برعکس باشد یعنی دولت و بنایب الحکومه محل وقتی از آن او راضی نباشند تغییر او را بخواهند و آنوقت مالک او را تغییر بدهد یا مالک بتواند در موقعی که از او راضی نباشد او را تغییر بدهد و جانشین او را همینطور تعیین کند و بحکومت اطلاع بدهد پیشنهادی هم در این زمینه عرض کرده ام.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنظر بنده این ماده ۱۱ با ماده ۵ که راجع به انفصال کدخدایان پیش بینی شده تا اندازه موافقت نمیکند یک اشکال مختصر بنظر بنده رسیده است که اگر این رفع شود این اشکالی که آقای دکتر ادهم فرمودند رفع خواهد شد (زوار - دو مخالف نمیشود صحبت کنند) چون اینجای این انفصال کدخدایان دو طریق پیش بینی شده است (زوار - بنده اخطار نظامنامه دارم - دو مخالف که نمیتواند صحبت کنند) بنده مخالف نیستم بنده همچو حرفی نزد که مخالف مطابق این قانون کدخدا اساساً با انتخاب مالک معین میشود در موقوفات از طرف متولی و در املاک از بابی از طرف مالکین با این ترتیبی که اینجا پیش بینی شده. در اینجا وقتی که گفته شده است که چنانچه مالک بخواهد تغییر بدهد کدخدا را باید يك تقاضا نامه بوزارت داخله یا بحکومت بدهد در هر صورت اینجا دو طریق برای تغییر کدخدا معین شده است یکی اینکه مالک تغییر میدهد یکی اینکه مالک تغییر نمیدهد ولی این کدخدا چنان کدخدائی است که وظایف کدخدائی را انجام نمیدهد در ماده ۵ اجازه داده که اگر يك کدخدائی که از طرف مالک معین شد وظایف کدخدا را انجام نداد و تخلف کرد از انجام وظایف خودش مطابق ماده ۵ متفصل میشود ولی بعد از این انفصال برای معرفی کدخدای جدید باید از طرف مالک معرفی بشود این بنده این ماده ۱۱ را از آن میدانم چون مقصود ماده ۱۱ این است که اگر کدخدا تخلف کرد از وظایف خودش مالک می تواند تقاضای عزل و زامی نماید در صورتیکه

مادر ماده ۵ کفتم که اگر تخلف کرد وظایف خودش را انجام نداد در حدود نظامنامه مخا که من شود و متفصل میشود ولی در هر جائیکه تخلفی در کار نیست و در جائی که مالک میخواهد او را تغییر بدهد تغییر میدهد و بعد بحکومت اطلاع میدهد بنابر این ماده ۱۱ بعقیده بنده زائد است.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده در این ماده با خود آقای وزیر داخله صحبت کردم و قرار شد که باید ترتیبی اصلاح شود چون نظریه دولت این است که وظایف کدخدا معین شود که مسئولیتش معلوم باشد در قسمت کارهای مربوطه به دولت در نصیب هم آقا مخالفت نکردند و موافقت فرمودند که در کمیسیون در این قسمت مذاکره شود و در آن جا اصلاح شود

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده عقیده ام این است که ماده ۱۱ بایستی باشد و اصلاح شود زیرا نصب کدخدا طریقش معلوم شده است عزلش هم باید معلوم باشد در ماده ۵ آنچه نوشته شده است که عزل کدخدا بموجب نظامنامه و وزارت داخله معین میشود یعنی در صورت تخلف اداری عزلش بموجب نظامنامه است بنده پیشنهاد کرده ام که در سایر جهات عزلش با مالک باشد و در این جا معین شود که در صورتیکه مالک از کدخدا شکایت داشته باشد باید عدم رضایت خود را به حکومت اطلاع بدهد و جانشین او را معین کند این قسمت در این ماده باید معین شود و بیک اصلاحی در این ماده باین ترتیب باید بشود.

رئیس - پیشنهادات قرائت می شود.

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم جمله ذیل در آخر ماده اضافه شود حکومت یا بنایب الحکومه مکلف است بتقاضای مالک ترتیب اثر و اقدام نمایند

پیشنهاد آقای حیدری

بنده پیشنهاد میکنم جمله ذیل به ماده ۱۱ اضافه شود

و حکومت مکلف است کدخدا را عزل نماید

پیشنهاد آقای فتوحی

اصلاح ماده ۱۱ را اینطور پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ - هر گاه کدخدا در ایفاء وظیفه و انجام دستور مالک مسامحه کند مالک میتواند عزل او را تقاضا کند و حکومت هم مکلف است آنرا بپذیرد

پیشنهاد آقای مؤید قوای

در ماده ۱۱ پیشنهاد میکنم

هر گاه مالک اظهار عدم رضایت از کدخدا (بواسطه عدم انتظام امور زراعتی) بنماید نایب الحکومه موظف باشد به پذیرفتن آن

پیشنهاد آقای دکتر ادهم

پیشنهاد میکنم - چون مطابق ماده ۱ کدخدا نماینده مالک است اگر چنانچه اینطور باشد خود مالک باید بتواند هر موقع لازم بداند او را عوض نماید و اگر بنا باشد که مطابق ماده ۱۱ تقاضای عزل او را بنماید پس نماینده او نبوده در واقع مثل نایب الحکومه است پس بهتر است یا قضیه برعکس بشود یعنی حکومت یا نایب الحکومه از مالک تغییر او را بخواهد یا اینکه مالک کدخدا را تغییر داده و جانشین او را معین و بحکومت معرفی نماید

پیشنهاد آقای ملک مدنی و چند نفر دیگر از آقایان نمایندگان:

اصلاح ماده ۱۱ را بطریق ذیل پیشنهاد مینمایند:

ماده ۱۱ - هر گاه کدخدا از انتظامات امور محوله فروگذار نماید مالک یا مالکین میتوانند کدخدای جدیدی را بحکومت یا نایب الحکومه محل معرفی و حکومت یا نایب الحکومه حکم انتصاب او را صادر نمایند

ملک مدنی - لاریجانی - کوردزی - هزار جریبی -

حیدری - طباطبائی - بروجردی - وثوق

پیشنهاد آقای دکتر قاسم امری

پیشنهاد میکنم که ماده ۱۱ بطریق ذیل اصلاح شود هر گاه کدخدا از انتظامات امور زراعتی فروگذاری نماید مالک یا مالکین حق دارند او را عزل نموده و مطابق ماده ۴ کدخدای جدید را معین و برای صدور حکم بحکومت معرفی نمایند

پیشنهاد آقای حمزه تاش

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ پس از ختم جمله تقاضای عزل او را بنمایند جمله ذیل اضافه شود:

و حکومت یا نایب الحکومه هم با تقاضای مزبور موافقت خواهند نمود

رئیس - ماده ۱۲ قرائت میشود.

ماده ۱۲ - قوانین موضوعه که متناقض با این قانون

نباشد بقوت خود باقی خواهد بود

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده این ماده را زائد میدانم زیرا

هیچ احتمال نمیرود که قوانین موضوعه که متناقض با این

قانون باشد بقوت خود باقی نباشد و هیچ سابقه نداشته است

اینست که بنده عقیده ام این است که باید حذف شود

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای مرات اسفندیاری

پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ بدین طریق اصلاح شود

قوانین موضوعه که متناقض با این قانون باشد نقض میشود

پیشنهاد آقای اعتبار

ماده ۱۲ را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم:

قوانین موضوعه که متناقض با این قانون باشد از درجه

اعتبار ساقط است

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای دکتر ملک زاده

ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم - کدخدا مکلف است کمال

سعی را در حفظ الصحه و تهذیب اخلاق عمومی بعمل آورد

و در موقع بروز امراض مسریه اعم از امراض انسانی یا حیوانی

بدون فوت وقت و بروز مرض را بر امر اگر صلاحیت دار اطلاع بدهد

رئیس - رأی گرفته می شود و در مورد آقایانی که

موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

[۶- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنم (صحیح است)

جلسه آتی روز پنجشنبه ۶ آذر دو ساعت بعد از ظهر

دستور لوابیح موجوده

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استقراض يك مليون و هشتصد و پنجاه هزار ريال از بانك ملی برای بلديه ها

- ماده واحده - وزارت داخله مجاز است بشرح ذیل برای بلديه های مفضله از بانك ملی استقراض نماید .
- ۱ - بلديه های رضائيه - خوی ساوجبلاغ مکرری يك مليون ريال (رضائيه ۶۰۰۰۰۰ خوی ۲۵۰۰۰۰ ساوجبلاغ ۱۵۰۰۰۰ ريال) بمدت پنج سال که اصلا و فرعا هر سال يك خمس آن از عایدات بلديه های مزبور ببانك پرداخته شود .
 - ۲ - بلديه های سنندج و ماکو هشتصد و پنجاه هزار ريال (سنندج ۶۰۰۰۰۰ ماکو ۲۵۰۰۰۰ ريال) بمدت پنج سال که سالی يك خمس آن اصلا و فرعا از اعتبار سه مليون ريال ساختمانی بلديه های ولایات مسترد گردد .
- این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و نهم آبان ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری